



# چرا دولت دهم فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را اجرا نکرد؟

● اجرای موفق فاز اول هدفمندی و نگرانی برخی جریان‌های سیاسی در کنار تغییر شرایط اقتصادی کشور پس از تحریم‌ها، باعث شد تا فاز دوم اجرای هدفمندی در دولت احمدی نژاد اجرا نشود

## گزارش

در قالب جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران به قلم میثم و مهدی مهرپور، برخی زوایای پنهان و ناگفته از اقتصاد ایران در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم بیان شده است. سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت محمود احمدی نژاد در این کتاب، روایت‌هایی را از نحوه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها داشته و به برخی مسائل بین دولت و مجلس و همچنین نحوه تصمیم‌گیری‌ها در دولت پرداخته است. وی از شب اجرای هدفمندی یارانه‌ها گفت و درباره نحوه مدیریت و برگزاری جلسات فشرده برای عبور از شرایط اولیه نیز سخن گفته است. در این شماره نیزوی مباحث دیگری را پیرامون هدفمند کردن یارانه‌ها بیان کرده است.

● سهم تولید چه شد؟ منتقدان دولت همواره شما را به نیرداختن سهم تولید متهم می‌کردند و می‌گفتند دولت سهم تولید را نداده و از این حرف‌ها... سؤال مشخص من این است چند کارخانه در خلال اجرای هدفمندی ورشکست شد؟ آماری دارید؟

کارخانه‌ای سراغ ندارم که بر اثر اجرای هدفمندی ورشکست شده باشد، ولی یک سری از فعالیت‌ها قطعاً باید برچیده می‌شدند. برای مثال یک سری کارخانه‌های آجریزی وجود داشت که به روش سنتی، خاک را با حرارت زیاد به آجر تبدیل می‌کردند. این آجرها، هم وزن زیادی داشت و هم دارای ارزش افزوده منفی بود، یعنی اگر هزینه سوختی را که برای تهیه این آجر استفاده می‌شود به قیمت FOB به آن کارخانه و کارگاه بدهید و بگویید کار را تعطیل کنند، هم برای وی و هم برای دولت اقتصادی‌تر است.

حالا ممکن است چنین واحدهایی در کشور تعطیل هم شده باشند. من به یاد دارم در همان همایشی که قبلاً به آن اشاره کردم و به دعوت دکتر غضنفری در آن حضور داشتم، فردی که در «های‌تک» فعال بود، پشت تریبون حضور یافت و خطاب به حضار گفت: شاید خیلی از همکاران دوست نداشته باشند بنده صحبت کنم، اما من از شما به عنوان نمایندگان دولت برای اجرای هدفمندی تشکر می‌کنم، برای اینکه بعد از اصلاح قیمت‌ها من توانستم تکنولوژی مدرن ناتو را وارد تولید کنم، چون قبل از هدفمندی استفاده از تکنولوژی مدرن که مزیت اصلی آن صرفه جویی در انرژی بود خواهان یا

متقاضی نداشت. اگرچه ممکن است با اجرای هدفمندی چند کارخانه آجریزی در کشور تعطیل شود، اما از آنجا که نیاز به آجر در کشور از بین نمی‌رود کارخانه‌های جدید با تکنولوژی‌های مدرن و صرفه‌آمیز جایگزین می‌شوند. لذا ما آمار رشد و اشتغال‌مان در سال ۹۰ خوب بود، رشد ۵ درصد در سال ۹۰ گواه امر است. در خصوص سهم تولید نیز، دو نگاه در کشور وجود داشت، یک نگاه این بود که ما وقتی نفت، گاز، برق و... را به بنگاه‌های تولیدی با قیمت تبعیضی و ارزان‌تر از قیمت عرضه به خانوارها می‌دهیم، این به واقع همان حمایت از تولید است و سهم تولید مطابق قانون هدفمندی در قالب تخفیف قیمتی داده شده، این نگاه ما بود. در محاسبه منابع و مصارف هدفمندی نیز این محاسبات را به دقت انجام داده و گزارش می‌دادیم. البته این همه حمایت از تولید نبود، ما سعی کردیم منابع مالی لازم برای اصلاح تکنولوژی و یا تأمین سرمایه در گردش را به طرق مختلف در اختیار بنگاه‌ها قرار دهیم. مثال صنعت آرد را زدم؛ کما اینکه ما به مرغداری‌ها، دان یا گندم نسبی دادیم، به صنایع وام دادیم. در قانون بودجه از محل صندوق توسعه ملی راه را برای اعطای وام ارزان قیمت برای بخش‌های تولیدی ویژه کشاورزی باز کردیم. اما نگاه دوم که برخی افراد از جمله اعضای فعلی دولت یازدهم در آن زمان داشتند، پرداخت نقدی بود؛ یعنی آن تخفیف قیمتی را یارانه نمی‌دانستند و می‌گفتند، از منابع حاصل از افزایش قیمت‌ها هم باید ۲۰ درصد به بنگاه‌ها بدهید. خوب پاسخ ما این بود که بنگاه اقتصادی از

تخفیف قیمت یعنی یارانه غیرنقدی انرژی بهره‌مند است، محصولش را هم که گران‌تر می‌فروشید، این مردم هستند که هم قیمت بالاتری برای انرژی می‌پردازند و هم کالای تولیدی بنگاه اقتصادی را گران‌تر می‌خرند، فشار روی مردم است، چرا باید حمایت یا یارانه مردم را کم کنیم. ضمن اینکه اگر این تعبیر که یارانه غیرنقدی، یارانه نیست را بپذیریم، اصلاً در ایران یارانه انرژی وجود نداشته است و نیاز به هدفمندی نداشتیم.

البته حتماً متوجه شدید که همان دوستانی که در گذشته طرفدار پرداخت نقدی به بنگاه‌های اقتصادی بودند، وقتی در مسند مسئولیت قرار گرفتند، از نظرشان عدول کردند. دولت یازدهم سال ۹۲، قیمت انرژی را اصلاح نکرد و گفت که کسری نداشته است. اما سال ۹۳ که قیمت حامل‌های انرژی را گران کرد، به مردم هم که پول بیشتری نداد، چرا به تولید پرداخت نقدی نکرد؟ توجه شود که اگر ما قیمت بنزین را از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان افزایش دادیم یا قیمت آزاد را از ۴۰۰ تومان به ۷۰۰ تومان؛ در سال ۹۳ نیز قیمت‌های یادشده ۲۰۰ تومان بالاتر رفت. افزایش درآمد حاصله مشابه قبل است، پس چرا رقمی به تولید داده نشد! البته دلایلی دارد. اگر بنده به عنوان سیاستگذار و مسئول به نام حمایت از تولید به کارخانه‌های پول بدهم، آیا می‌توانم بعدها از خودم دفاع کنم و به رانت و... متهم نشوم. زمانی که چهارهزار میلیارد تومان به عنوان پرداخت نقدی به حمایت از تولید اختصاص یافت، شما در عمل این مبلغ را به بنگاه اقتصادی، صریح‌تر بگوییم به مالک بنگاه پرداخت



آمار منتشره ضرایب جینی توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی در دولت یازدهم نیز به روشنی نشان می‌دهد که توزیع درآمد در شهر و روستا پس از اجرای هدفمندی بهبود چشمگیر داشته است. البته عده‌ای گفتند اگرچه ضریب جینی کاهش پیدا کرده، ولی وضع توزیع درآمد در طبقات پایین درآمدی، بدتر شده است که این حرف هم مبنا ندارد. محاسبه شاخص‌های دیگر چون شاخص اتکینسون و کاکوانی ... به خوبی غلط بودن این ادعا را اثبات می‌کند

می‌کنید. حال پرسش این است که این مبلغ با چه معیاری توزیع می‌شود، چه کسی باید پاسخگو باشد؟ چگونه این پرداخت‌ها کنترل خواهد شد. بنگاه‌ها یا افراد دریافت‌کننده چه تعهدی در قبال شما خواهند داشت...؟ در اینکه باید از تولیدکننده حمایت شود شکی نیست، اما مسیرش این است که دولت به بنگاه‌های اقتصادی اعتبار یا تسهیلات مالیاتی برای مستهلک کردن صنایع انرژی بر دهد. حتماً هم نباید این کار را به منابع هدفمندی محدود کنیم. ما منابع زیادی در صندوق توسعه ملی داشتیم. قانونگذار هم این اجازه را به دولت داده است که مثلاً به بخش کشاورزی وام ارزان پرداخت شود، کما اینکه ما به سمت حمایت از صنعت رفتیم.

هدفمندی قیمت حامل‌های انرژی به عنوان یکی از عوامل مؤثر هزینه تولید یا بهای عامل تولید را بالا برد. در مقابل، تولیدکننده طبق روال برای اصلاح ساختار تکنولوژی خود از بانک کشاورزی

و صنعت و معدن وام می‌گرفت، ضمن اینکه در بخش تولید مهم‌ترین منابعی که در اختیار تولیدکننده قرار می‌گرفت، تخفیف قیمتی انرژی بود. به هر حال دولت انرژی را با قیمت ارزان‌تری به دست تولیدکننده‌ها می‌رساند؛ یعنی اگر قیمت مصارف خانگی انواع انرژی افزایش یافت اما به بخش‌های تولیدی تخفیف قیمت انرژی تعلق گرفت، افزایش قیمت حامل‌ها برای مردم را هم نقدی جبران کردیم. البته بنگاه‌های اقتصادی نیز که قیمت محصولات خود را افزایش می‌دادند، این افزایش قیمت نیز از طریق خریدار این کالاها یعنی مردم پرداخت می‌شود. پس بیشترین فشار افزایش هزینه حامل‌های انرژی و قیمت کالاها بر دوش مردم بود و دولت هم سعی داشت این را جبران کند که موفق هم بود. آمارهای مربوط به توزیع درآمد نیز مؤید این امر است. آمار منتشره ضرایب جینی توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی در دولت یازدهم نیز به روشنی نشان می‌دهد

که توزیع درآمد در شهر و روستا پس از اجرای هدفمندی بهبود چشمگیر داشته است؛ البته عده‌ای گفتند اگرچه ضریب جینی کاهش پیدا کرده، ولی وضع توزیع درآمد در طبقات پایین درآمدی بدتر شده است که این حرف هم مبنا ندارد. محاسبه شاخص‌های دیگر چون شاخص اتکینسون و کاکوانی و... به خوبی غلط بودن این ادعا را اثبات می‌کند.

● فاز دوم هدفمندی در دولت دهم، هیچ‌گاه اجرا نشد و به عهده دولت یازدهم گذاشته شد. دلایل اصلی عدم اجرای فاز دوم هدفمندی در دولت دوم آقای احمدی نژاد چه بود؟

بحث هدفمندی کار بسیار بزرگی بود. امروز شاهدیم هر چه تحت عنوان «زیرساخت‌های اجرای این کار» انجام شده، همان اقداماتی است که در مرحله اول صورت گرفت. یعنی در فاز اول بود که سیستم بانکی توانست عملیات سنگینی را طراحی کند که امروز دولت می‌تواند به حدود ۷۷ میلیون نفر یارانه دهد. برعکس واژه‌هایی که وجود داشت، هیچ اختلالی در سیستم بانکی اتفاق نیفتاد و هیچ قطعی شبکه‌ای هم صورت نگرفت.

اما بالاخره یک دیدگاهی در دولت و دیدگاه دیگری در مجلس وجود داشت. اصولاً دستگاه‌هایی که وظیفه اجرایی ندارند با ایده‌آل‌ها و مطلوب‌ها از منظر خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند، اما دستگاه اجرایی بر اساس واقعیت‌ها و مطلوب‌های قابل دسترس حرکت می‌کند. در بسیاری از موارد سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در کشور ما، با ایده‌آل‌پردازی همراه است و با شرایط و واقعیت‌های موجود تفاوت زیادی دارد. زمانی که می‌خواستیم بحث هدفمندی را به مجلس ببریم، کسانی بودند که فکر می‌کردند اجرای هدفمندی موکول به شناسایی افراد، قبل از هدفمندی، آن‌هم مترادف با جمع‌آوری آمار سبد هزینه خانوار است. برای همین می‌گفتند: «دولت اجازه دارد این منابع را فقط به چهار دهک

## دولت دلیل عدم اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها



برش

درباره عوامل عدم اجرای فاز دوم هدفمندی باید بگوییم که دو عامل سبب شد فاز دوم هدفمندی در دست‌انداختن بیفتد. اولین عامل، اجرای موفق مرحله اول هدفمندی یارانه‌ها بود که برخی جریان‌های سیاسی را نگران می‌کرد و به تکاپو وادار می‌کرد. مخالفان سرسخت هدفمندی مدعی بودند: «اجرای هدفمندی ۷۰ تا ۵۰ درصد تورم به همراه خواهد داشت» در حالی که نرخ تورم در سال اجرای هدفمندی از ۱۲٫۴ درصد در سال ۱۳۸۹ به ۱۹٫۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسید. آمارهای بانک مرکزی منتشر کرده است نشان می‌دهد: «اقتصاد ایران در سال اجرای هدفمندی رشد پنج درصدی داشته است.» اجرای هدفمندی در مرحله اول این قدر موفق بود که حتی رسانه‌های مخالف دولت به من نامه نوشته و از شیوه اجرای هدفمندی تمجید کردند. خاتم لاگادر مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول که گردانندگان آن به لحاظ مدیریتی با جمهوری اسلامی ایران موضع دارند، وقتی بدنه کارشناسی صندوق اجرای هدفمندی را موفق ارزیابی کرد، رسماً از موفقیت ایران به نیکی یاد کرد. اما عده‌ای این مسائل را درک نکرده و اجازه ندادند هدفمندی در مسیر خودش حرکت کند و سعی کردند با مصوبه و اصلاحیه مسیر آن را سد کنند و تمام مشکلات کشور را به هدفمندی وصل کنند. تحت شرایطی که اگر هدفمندی اجرا نمی‌شد ما حتی برای تأمین بنزین کشور با مشکل مواجه می‌شدیم. این مخالفت‌ها و لجاجت‌ها با اصل هدفمندی و اجرای موفقیت‌آمیز هدفمندی توسط دولت دهم به عامل دوم یعنی شرایط اقتصادی پس از تحریم‌ها پیوند خورد و با نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری، ماحصلش این شد که چهارچوبی به دولت دهم تحمیل شود که دولت آن را نشدنی و نامناسب تشخیص داد.